

ندا آقا سلطان

در میان قهرمانان سال ۲۰۰۹ جهان!



محل دفن ندا در بهشت زهرا ندا آقا سلطانی سمبل مقاومت
نام ندا آقا سلطان در میان قهرمانان برجسته سال ۲۰۰۹ در جهان انتشار یافته است.
بقیه در صفحه ۵

سید علی خامنه ای به عنوان دیکتاتور سال برگزیده شد!
بقیه در صفحه ۵

روسی سبز مردان، گام نخست اعتراض سبز به حجاب اجباری

قصه تحقیر مجید توکلی، قصه حقارت زنان سرزمین من هم هست
ماجرای مجید توکلی از یک منظر دیگر....
حکایت حقارت حضرات را شنیده اید. آنقدر حقیر شده اند که پنداشته اند انتشار عکس مجید توکلی، عضو انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک در لباس زنانه، یعنی تحقیر کردن دانشجو و گذاردن نام او در کنار نام بنی صدر و یاد آوری قصه های ساخته و پرداخته دیگری چون فرار با لباس زنانه، احتمالاً جنبش را زمین گیر و سرخورده می کند. بقیه در صفحه ۸

۱۰۰۰ کارگر شهرداری کرج بیکار شدند.
بقیه در صفحه ۵

گزارش تکان دهنده عفو بین الملل



اورا ۵۸ روز در کهریزک در یک کانتینر نگه داشتند و به او گفتند اگر " اقرار" نکنند به پسرش تجاوز خواهند کرد.
بقیه در صفحه ۶

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان
به مناسبت ۲۱ آذر، روز قیام ملی مردم آذربایجان
اتحاد داوطلبانه و دموکراتیک ،

تنها راه همبستگی ملیت های ساکن ایران
کنگره خلق آذربایجان در ۲۹ و ۳۰ آبان ماه ۱۳۲۴ در تبریز خود را مجلس موسسان اعلام داشت و تدارک برای ایجاد مجلس ملی آذربایجان را آغاز کرد که با انتخاباتی دموکراتیک و آزاد که در آن زنان حق رأی برابر با مردان داشتند، تشکیل شد.
بقیه در صفحه ۲

۴ میلیارد دلار دارایی صندوق ذخیره ارزی در دولت احمدی نژاد غیب شده است!
*درست این روزها که نیروهای امنیتی و انتظامی و دولتمردان و عقبه مطبوعاتی آنها علیه مردم ایران عربده می کشند و نفرین می کنند، یک اتفاق ویژه و مهم در پشت صحنه سیاست ایران جریان دارد..
بقیه در صفحه ۲

لیست شماره ۶
(پنجشنبه ۱۹ آذر ۱۳۸۸ برابر ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹)
شما نیز برای ثبت در تاریخ مبارزات مردم ایران
لیست شعارهای درون کشور را تکمیل کنید!
امیرجوهری لنگرودی
بقیه در صفحه ۴

اعترافات رئیس قوه قضائیه رژیم!
فساد گسترده در دستگاه دولتی!
وقتیکه گرگ ها همدیگر را تهدید میکنند.
"کارمندی از دولت با پررویی و جسارت تمام اسناد دولتی و مالی را جعل کرده و میلیاردها پول به جیب زده اند. اینها باید خوف داشته باشند و امنیت برای آنها باید به عدم امنیت تبدیل شود."
بقیه در صفحه ۷

بیانیه گروهی از فرماندهان و پرسنل ارتش
ویژه خبرنامه گویا - گروهی از فرماندهان و پرسنل نیروی هوایی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی بیانیه مهمی انتشار دادند. در این بیانیه آمده است:
بقیه در صفحه ۵

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان
به مناسبت ۲۱ آذر، روز قیام ملی مردم آذربایجان
اتحاد داوطلبانه و دموکراتیک ،
تنها راه همبستگی ملیت های ساکن ایران

۴۵ میلیارد دلار دارایی
صندوق ذخیره ارزی
در دولت احمدی نژاد غیب شده است!

*درست این روزها که نیروهای امنیتی و انتظامی و دولتمردان و عقبه مطبوعاتی آنها علیه مردم ایران عریه می کشند و نفرین می کنند، یک اتفاق ویژه و مهم در پشت صحنه سیاست ایران جریان دارد.....

روشنگری: درست این روزها، درست در حالی که گروه گروه جوانان ما به خاطر اعتراض به استبداد و دیکتاتوری بازداشت و راهی شکنجه گاهها می شوند و مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند؛ درست این روزها که نیروهای امنیتی و انتظامی و دولتمردان و عقبه مطبوعاتی آنها علیه مردم ایران عریه می کشند و نفرین می کنند، یک اتفاق ویژه و مهم در پشت صحنه سیاست ایران جریان دارد: وابستگان به دولت امنیتی، نظامی احمدی نژاد مشغول غارت هست و نیست دارایی های نفتی مردم ایران هستند. ابعاد این غارت در حدی است که اعتراف رییس قوه قضاییه در اختتامیه همایش "ارتقای سلامت نظام اداری کشور و مبارزه با فساد" که گفت "کارمندی از دولت با پرتویی و جسارت تمام اسناد دولتی و مالی را جعل کرده و میلیاردها پول به جیب زده اند" در برابر آن تقریبا خبر به حساب نمی آید. ماجرا بر سر این است که حدود ۴۵ میلیارد دلار از دارایی های نفتی در دولت احمدی نژاد غیب شده است! و کسی نمی داند که بر سر این پول کلان چه آمده و این ۴۵ میلیارد به کجا رفته است؟ آیا این پول خرج تاسیس ۱۰ مرکز جدید هسته ای می شود که احمدی نژاد با لافزنی وعده اش را داده است؟ آیا این ۴۵ میلیارد دلار پول خون جوانان پاکبخته آزادخواه است که به پاسداران و بسیجی ها داده می شود تا در خیابان و دانشگاه جوانان را سرکوب و در کهریزک ها به آنها تجاوز کنند و اجسادشان را بسوزانند؛ یا در گورهای بی نشان دفن نمایند و از این طریق ولایت مطلقه خامنه ای را حفظ کنند؟ آیا پشت بحث محرمانه بودن دارایی های صندوق ارزی ایران که احمدی نژاد به دنبال گزارش دیوان محاسبات مبنی بر کم شدن یک میلیارد دلار از خزانه دولت برای خلاص شدن از پاسخگویی شفاف به آن پناه برد، اشتباهی سیری ناپذیر یک هیولای نظامی/ امنیتی تا مغز استخوان فاسد و جنایتکار خوابیده است که به هیچ حدی از غارت ثروت ملی قانع نیست؟ هر کدام که باشد و یا هیچ کدام هم که نباشد در هر حال تا این حد روشن است که در گزارش معاون بانک مرکزی از موجودی حساب ذخیره ارزی؛ گزارشی که وی به کمیته تحقیق و تفحص مجلس از برنامه چهارم ارائه داد و خیرش روز گذشته در خبرگزاری ایلنا منتشر شد یک نکته شدت تکان دهنده وجود داشت. حسین قضاوی معاون اقتصادی بانک مرکزی در کمیته تحقیق و تفحص مجلس از برنامه چهارم، موجودی حساب ذخیره ارزی را ۱۲ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت: "از ابتدای سال جاری هیچ منابعی به حساب ذخیره ارزی واریز نشده است." این در حالی است که به گفته جعفر قادری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس "اطلاعات کلی که توسط نماینده بانک مرکزی ارائه شد اصلا برای کمیسیون قابل قبول نبود."

روزنامه "تهران امروز" در گزارشی به بررسی ارقام و داده های آماری خود دولتمردان پرداخته و اظهارات نماینده عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس را نیز ذکر کرده است. این گزارش جای خالی ۴۵ میلیارد دلار مفقود شده از صندوق ذخیره ارزی را نشان می دهد:

تهران امروز: بار دیگر موجودی حساب ذخیره به چالشی برای دولت تبدیل شد و این بار گزارش بانک مرکزی از موجودی حساب ذخیره ارزی اعضای کمیته تحقیق و تفحص از برنامه چهارم را قانع نکرد.

گزارش از حسابی که به گفته رئیس کل بانک مرکزی موجودی آن محرمانه است. اعلام رقم ۲۳ میلیارد دلاری موجودی حساب

در تاریخ پیکارهای مردم ایران برای آزادی، برابری و دموکراسی، قیام مردم آذربایجان در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ نقطه عطفی درخشان و فراموش نشدنی است. رهبری این قیام را فرقه دمکرات آذربایجان به عهده داشت که در بیاتیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ آورده بود: "انجمن ایالتی آذربایجان تنها برای حل مشکلات آذربایجان نیست، بلکه به منظور تأمین آزادی در سراسر ایران است." فرقه دمکرات آذربایجان بارها خواست های خود را با دولت مرکزی در میان گذاشت اما این درخواست های دمکراتیک پذیرفته نشد و از این رو کنگره خلق آذربایجان در ۲۹ و ۳۰ آبان ماه ۱۳۲۴ در تبریز خود را مجلس موسسان اعلام داشت و تدارک برای ایجاد مجلس ملی آذربایجان را آغاز کرد که با انتخاباتی دمکراتیک و آزاد که در آن زنان حق رأی برابر با مردان داشتند، تشکیل شد. در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۴ مجلس ملی آذربایجان در تبریز گشایش یافت و جعفر پیشه وری رهبر فرقه دمکرات آذربایجان را مأمور تشکیل حکومت ملی آذربایجان کرد. به دنبال آن فرماندهان پادگان نظامی در تبریز تسلیم خواست مجلس ملی شده و سلاح بر زمین گذاشتند. دولت ملی فرقه دمکرات در طول یک سال حاکمیت خود، اقدامات مهمی را در جهت یک اصلاحات ارضی واقعی آغاز کرد که از طریق آن یک میلیون دهقان صاحب زمین شدند. برای کمک به کشاورزان صاحب زمین شده، "بانک فلاح" و "شرکت ماشین های آبیاری و کشاورزی" تشکیل شد. قانون کار دمکراتیک تصویب و اجرا شد. بسیاری از کارخانه ها با کنترل کارگری آغاز به کار کرد. زبان آذری به موازات زبان فارسی بعنوان زبان رسمی به رسمیت شناخته شد. برای مبارزه با بیسوادی برنامه ریزی شد. امر بهداشت سروسامان داده شد. با تأسیس دانشگاه، تأسیس رادیو و توسعه مطبوعات به گسترش هنر و فرهنگ ملی و مترقی کمک شایانی شد. در این راستا چندین چاپخانه تأسیس شد. جمعیت های هنرمندان و اداره هنرهای زیبا، تئاتر دولتی و ارکستر ملی تأسیس شد. و بالاخره، فرقه دموکرات آذربایجان با ایجاد پیوند های محکم برادرانه با فرقه دموکرات کردستان، نمونه زیبایی از همبستگی ملیت های ایران را به نمایش گذاشت. این اصلاحات دمکراتیک و بنیادین، خشم ارتجاع و دولت مرکزی و حامیانش را برانگیخت که باعث شد در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ به آذربایجان لشکرکشی کرده و دولت ملی آذربایجان را در هم بشکنند و این تلاش دمکراتیک و نو پا را نابود سازد.

اما راهی را که مردم آذربایجان گشودند، با از بین رفتن فرقه دموکرات آذربایجان، فراموش نشد. زیرا مبارزه برای برابری ملیت های ایران، چه در دوران دیکتاتوری سلطنتی و چه در دوران دیکتاتوری ولایی، همچنان به عنوان یکی از کلیدی ترین اجزاء پیکار دمکراتیک کشور چند ملیتی ما دوام آورده است و تا ستم و نابرابری ملی در سرزمین ما از بین نرود، قطعا دوام خواهد آورد. فراموش نکنیم که نیمی از جمعیت کشور ما از حق ابتدایی آموزش به زبان مادری خود محرومند؛ فرهنگ، هنر و سنت هایشان با بی مهری رویرو می شود؛ حق حاکمیت بر سرنوشت شان به رسمیت شناخته نمی شود. و جمهوری اسلامی، تبعیضات مذهبی را نیز بر این نابرابری ها افزوده است. امروز جوانان کرد و ترک و عرب و ترکمن و بلوچ به جرم دفاع از حق انسانی مردم شان و مبارزه برای تعیین حق سرنوشت ملی شان، به چوبه های دار آویخته می شوند. اما همانطور که تاکنون شاهد بوده ایم، سرکوب خواست ملیت های تحت ستم، عزم آن ها برای مبارزه ملی را نه تنها کاهش نداده بلکه آبدیده تر نیز کرده است.

سازمان ما بر این باور است که بدون دفاع قاطع از حق تعیین سرنوشت ملیت های تحت ستم ایران، بدون فراهم آمدن امکان آموزش به زبان مادری از مدارس ابتدایی، بدون کمک به رشد و گسترش فرهنگ و ادبیات ملی خلق ها، بدون تأمین برابر حقوقی همه ی خلق های ساکن کشور، بدون تلاش برای اتحاد داوطلبانه در کشوری فدرال، امکان استقرار و نهادینه شدن دمکراسی در کشور ما فراهم نخواهد آمد.

در سالروز قیام ملی مردم آذربایجان، یک بار دیگر براین حقیقت تاکید می کنیم که برای حفظ همبستگی ملیت های ساکن کشور و مبارزه با هر نوع ناسیونالیسم عظمت طلبانه و قومی، تنها راه پیش رو، دفاع قاطع از حق تعیین سرنوشت ملیت ها و تلاش برای اتحاد داوطلبانه ی آن سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۲۱ آذر ۱۳۸۸ - ۱۲ دسامبر ۲۰۰۹

ذخیره ارزی در سال گذشته در حالی از سوی دولتی‌ها رقم خورد که کارشناسان براساس افزایش بی‌سابقه بهای نفت در بازارهای جهانی معتقد بودند باید موجودی حساب بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار و حتی حدود ۱۳۰ میلیارد دلار باشد، حال آنکه رقم اعلام شده توسط دولت تفاوت چشمگیری با موجودی‌ای که کارشناسان برآورد کرده بودند، داشت.

این تفاوت چشمگیر بین برآورد موجودی با موجودی واقعی همواره مورد سوال بوده اما هیچ‌گاه پاسخ شفاف و روشنی به این سوالات و برداشت‌های مکرر از حساب ذخیره ارزی به مجلس و کارشناسان داده نشد و حتی چندین ماه با اعلام اینکه موجودی حساب ذخیره ارزی محرمانه است، از اعلام موجودی این حساب طفره می‌رفت. داستان موجودی حساب ذخیره ارزی در دولت نهم همواره وجود داشته و این داستان که سال گذشته روزهای داغی را سپری کرده بود، امسال هم تکرار شده است و بر اساس آن بار دیگر مجلسی‌ها مستندات بانک مرکزی در مورد حساب ذخیره ارزی را نپذیرفتند.

در راستای این داستان تکراری، حسین قضاوی، معاون اقتصادی بانک مرکزی در کمیته تحقیق و تفحص از برنامه چهارم موجودی حساب ذخیره ارزی را ۱۲ میلیارد دلار اعلام کرده، این درحالی است که گزارش نظارتی بانک مرکزی تا پایان سال ۸۷ از موجودی این حساب حدود ۲۳ میلیارد دلار را نشان می‌دهد. این در حالی بود که سال گذشته در شرایطی بودجه سال ۸۸ بسته شد که بهای نفت در بازارهای جهانی به مرز ۴۰ دلار کاهش یافته بود و این روند کاهش دولت را مجبور کرد تا بودجه سالانه را بر مبنای نفت ۳۷،۵ دلاری ببندد. اگرچه هیچ‌گاه بهای نفت در طول ۹ ماهه گذشته با این ارقام به فروش نرسید اما گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد که از ابتدای سال جاری هیچ منابعی به حساب ذخیره ارزی واریز نشده است. معاون اقتصادی بانک مرکزی در گزارش این بانک درخصوص موجودی حساب ذخیره ارزی به نمایندگان گفته بود که کل منابع حساب ذخیره ارزی کشور ۱۲ میلیارد دلار است که با احتساب مجوزهای مجلس برای اضافه برداشت از این حساب، موجودی حساب ذخیره ارزی تنها چهار میلیارد دلار در این حساب باقی می‌ماند. این درحالی است که این رقم بدون احتساب سهم ۵۰ درصدی بخش خصوصی محاسبه شده است. با یک حساب سرانگشتی، موجودی حساب باید ۴۵ میلیارد دلار باشد.

گزارش معاون اقتصادی بانک مرکزی از موجودی حساب ذخیره ارزی در شرایطی اعلام شده که اسفند ماه سال گذشته وزیر اقتصاد موجودی این حساب را ۲۵ میلیارد دلار اعلام کرده بود. از سوی دیگر، گزارش وزارت نفت از میزان فروش نفت در هفت ماهه نخست سال جاری نیز نشان می‌دهد که دولت در مدت یاد شده بیش از ۲۳ میلیارد دلار نفت فروخته است. به گفته نمایندگان که روز سه‌شنبه معاون اقتصادی بانک مرکزی را به کمیته تحقیق و تفحص از برنامه چهارم فراخوانده بودند، این گزارش بانک مرکزی نتوانست آنها را قانع کند، از همین رو منتظر حضور محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی و گزارش رسمی وی هستند.

جعفر قادری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه در همین خصوص به فارس گفت: در این گزارش اطلاعاتی از وضعیت حساب ذخیره ارزی ارائه شد که با اطلاعات اولیه اعضای کمیسیون سازگاری نداشت و قرار شد در جلسه دیگری از خود آقای بهمنی و آقای برهانی، رئیس هیات امنای حساب ذخیره ارزی دعوت شود تا اطلاعات دقیق‌تری ارائه کنند. وی با بیان اینکه آقای بهمنی در کمیسیون برنامه و بودجه حضور نیافتند و به جای ایشان آقای قضاوی آمدند و اطلاعاتی از وضعیت حساب ذخیره ارزی ارائه کردند که با اطلاعات اولیه اعضای کمیسیون سازگاری نداشت.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه تصریح کرد: در ابتدای سال ۸۸، صندوق ذخیره ارزی ۱۲ میلیارد دلار موجودی داشته است و تا به حال هم براساس گزارشی که وزارت نفت داده چیزی حدود ۲۳ میلیارد دلار در مدت هفت ماهه امسال فروش نفت داشته‌ایم که طبعاً بخشی از آن بر اساس قیمت ۳۷،۵ دلاری پیش‌بینی شده بودجه برای نفت به حساب خزانه واریز و به بودجه تزریق شده است و مقداری هم فراتر از جداول پیش‌بینی شده برنامه چهارم توسعه،

دولت اجازه برداشت داشته است و مقداری از آن را هم می‌توانسته به عنوان تسهیلات در اختیار بخش خصوصی بگذارد اما با توجه به همه این مسائل باز هم باید موجودی حساب ذخیره ارزی اضافه شده باشد.

وی افزود: بر اساس گمان و محاسبات ما باید کلاً چیزی حدود ۴۵ میلیارد دلار به خزانه واریز شده باشد اما اطلاعات کلی که توسط نماینده بانک مرکزی ارائه شد اصلاً برای کمیسیون قابل قبول نبود. قادری تصریح کرد: نماینده بانک مرکزی اعلام کرد که در صورت تسویه تعهدات حساب ذخیره ارزی، موجودی چندان در حساب باقی نمی‌ماند، این برای کمیسیون قابل قبول نبود و قرار شد در جلسه دیگری از خود آقای بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی و آقای برهانی، رئیس هیات امنای حساب ذخیره ارزی دعوت شود تا اطلاعات غیر کلی و دقیق‌تری ارائه کند تا مشخص شود که اگر در محاسباتمان اشتباه می‌کنیم، این اشتباه کجاست.

وی اضافه کرد: ابتدای سال ۸۸ باید ۱۲ میلیارد دلار در حساب ذخیره ارزی موجودی داشته باشیم، چهار میلیارد دلار از این میزان یعنی حدود ۴۰ درصد باید براساس تکلیف قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در اختیار بخش خصوصی گذاشته شده باشد و مقداری نیز بر اساس مجوز مجلس اضافه برداشت از حساب ذخیره ارزی وجود داشته است اما اطلاعاتی که نسبت به فروش و درآمدهای نفتی داریم با اطلاعاتی که نمایندگان بانک مرکزی ارائه می‌کردند همخوان و مقبول نبود و کمیسیون اقتناع نشد لذا قرار شد افرادی که در بانک مرکزی اطلاعات بیشتری دارند، کمیسیون را توجیه کنند.

وی تاکید کرد: بر اساس محاسبات سرانگشتی ما با توجه به فروش نفت و موجودی قبلی حساب ۴۵ میلیارد دلار درآمد نفتی در خزانه وجود داشته است که بخشی از آن به مصرف بودجه و دیگر مصارف رسیده است اما بخش قابل اعتنایی از آن هم باید در حساب ذخیره ارزی باقی مانده باشد که گزارش نماینده بانک مرکزی این را نشان نمی‌داد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد با توجه به آخرین گزارش‌ها از موجودی حساب ذخیره ارزی در چهار سال اول برنامه چهارم، تمام منابع این حساب هزینه شده و این در شرایطی است که به گزارش اینلنا، میزان درآمدهای ارزی دولت در همین زمان بالغ بر ۳۱۰ میلیارد دلار بوده که علاوه بر برداشت‌های هزینه‌ای بودجه، بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار نیز در مدت یاد شده، تحت عنوان متمم از حساب ذخیره ارزی برداشت شده است.

براساس آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی میزان برداشت دولت از حساب ذخیره ارزی در دولت نهم نسبت به دولت قبل معادل ۲۶۸ درصد رشد داشته است. مقایسه آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد دولت نهم طی سال‌های ۸۴ تا پایان سال ۸۷ معادل ۶۳ هزار میلیارد ریال از منابع صندوق ذخیره ارزی برداشت کرده.

از سوی دیگر، مقایسه آماری بین نسبت میزان برداشت از حساب ذخیره ارزی و سهم دولت از درآمدهای نفتی که براساس بودجه تدوین می‌شود نیز نشان می‌دهد که طی سال‌های ۸۱ تا ۸۳ این نسبت به صورت سالانه رو به کاهش بوده و از ۵۱،۳۴ به ۴۲،۳۸ درصد کاهش پیدا کرده است اما این نسبت در سال‌های ۸۴ تا ۸۷ از ۳۷،۲۳ به ۸۱،۶۴ درصد افزایش یافته که نشان می‌دهد دولت نهم در یک روند افزایشی تقریباً معادل درآمدهای نفتی خود از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده است هرچند که این ارقام تنها مربوط به خود دولت است و برداشت‌های شرکت‌های دولتی که از محل ذخایر ارزی تسهیلات دریافت کرده‌اند در این ارقام منظور نشده است.

به این ترتیب و با توجه به حساب سرانگشتی که عضو کمیسیون اقتصادی از آن یاد می‌کند و معتقد است که موجودی حساب باید حدود ۴۵ میلیارد دلار باشد، همچنان روند صعودی برداشت‌های بدون مجوز دولت از حساب ذخیره ارزی ادامه داشته و هزینه‌های دولت نیز رو به افزایش است چرا که از موجودی حسابی که به گفته کارشناسان در سال گذشته باید حدود ۱۰۰ تا ۱۳۰ میلیارد دلار باشد و در ۹ ماهه سال جاری نیز موجودی ۴۵ میلیارد دلاری را در خود ذخیره کرده باشد، رقم چندان باقی نمانده است.

۱۹ آذر ۱۳۸۸ - ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹

.....

لیست شماره ۶

(پنجشنبه ۱۹ آذر ۱۳۸۸ برابر ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹)
**شما نیز برای ثبت در تاریخ مبارزات مردم ایران
لیست شعارهای درون کشور را تکمیل کنید!**

امیرجوهری لنگرودی

پنجشنبه ۱۹ آذر ۱۳۸۸

یادداشت ششم:

اکنون ۱۶ آذر (روز دانشجو) راپشت سرگذاشتیم. ۱۶ آذر نشان داد که دانشجویان به همراه مردمان ایران و با مقاومت درخشان، سراسری و گسترده خود در وفاداری به آرمان های تاریخی این روز، پاس داشت یادچنانباختگان روز دانشجو در ۱۶ آذر ۳۲ در ۵۶ سال پیش، وفای به عهد با یاد نام های مانده در حافظه تاریخ بعد از کودتای ۳۲ (مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی)، تجلی شعارماندگار "اتحاد - مبارزه - پیروزی"، دفاع از حرمت آرمانی شعار آزادی و برابری، مخالفت با موجودیت دیکتاتوری و کودتای حکومتی و رودر رویی با سلطه طلبی بیگانه، طرح هزاران باره شعار آزادی همه زندانیان سیاسی و دانشجویان زندانی، و... متبلور گردید.

در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ توده دانشجویان با جسارت و مقاومت افزوده خویش در برابر سرکوب فزاینده کودتاجیان حکومتی در سراسر کشور، موج دستگیری به جا مانده از این مقاومت دانشجویان در اغلب شهرهای بزرگ و کوچک دانشگاهی تا حدی در پوشش سراسری، بار دیگر مبارزین جدیدی به زندانیان سیاسی در این روز افزوده شدند.

در برابر این نگرانی ها، هر چند تاحال ابعاد دستگیری ها در سراسر کشور روشن نیست. به آمارهای اعلام شده رژیم نیز هیچ اعتمادی نبوده و نیست. مثلاً در رابطه با موج وسیع دستگیری های تهران خبرگزاری مهر از قول فرمانده انتظامی تهران بزرگ، سرتیپ عزیزالله رجب زاده گزارش کردند و نوشت: "از دستگیری ۱۵۶ مرد و ۳۹ زن در تظاهرات ۱۶ آذر تهران خبر داد و گفت: "۱۸ پلیس نیز در این زمینه مجروح شده اند" و این دروغ شاخدار از قول همین فرمانده آ نجا آشکاری شود که گفت: "حداکثر حدود ۲ هزار نفر در تجمع های غیر قانونی روز گذشته حضور داشته اند." مابقی هیچ تردید از هم اکنون و در حالی که هنوز پژواک فریادهای اعتراضات دانشجویان دختر و پسر، زنان و جوانان و مادران پر شمار اعدامی و مادران عزاز و محتمل کشتن و کارگران ایران، در این روز و روزهای بعد قطع نشده و در فضای سیاسی سراسر کشور طنین انداز است، که تجلی آنرا در شعارهای زیردنبال خواهید کرد - همچنان مبارزه برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی و بازداشت شده گان روز ۱۶ آذر در کنار خواست معوقه رهایی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی مردم از زندان ها و شکنجه گاه های رژیم افزوده شده است.

اکنون در برابر ما روز ۱۰ دسامبر، ۶۱ امین سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دارد. هم اکنون مدافعین حقوق بشر در سراسر ایران و جهان، خود را برای این روز آماده می سازند. باشد که استمرار مبارزه در درون کشور، مردمان ما را از ننگ رژیم آدم کشان جمهوری اسلامی ایران، رها گرداند.

همانگونه که پیشتر آوردیم:

این شعارها را از میان گزارشات، فیس بوک ها، یوتوب ها، ایمیل ها و مطالب تویتر درون کشور فراهم آوردیم.

در صورت امکان تکمیل اش کنید تا برای این مرحله از تاریخ مبارزات مردم ایران درس آموزی باشد.

می توان و باید از مبارزان داخل کشور در برابر رودر رویی با آتش گلوله و توپ و تانک تمامیت ارتجاع جمهوری اسلامی و ایستادگی ها و مقاومت میلیون ها تن از دختران - پسران - زنان و مردان و همراه شده گان یک پیکار توده ای در سراسر ایران آموخت!

شعارها:

خامنه ای این آخرین پیام است/ هر کوچه، هر خیابان، دانشگاه ایران است

خامنه ای بدونه / بزودی سرنگونه

خامنه ای قاتله / کل نظام باطله

مرگ بر ستمگر / چه شاه باشه ، چه رهبر (دانشگاه شریف)

مرگ بر دیکتاتور

مرگ بر خامنه ای

مرگ بر دیکتاتور / مرگ بر کودتا

ملت ایران زمین / خامنه ای را بزن زمین

ملت ایران زمین / دیکتاتور و بزن زمین

ای رهبر بی غیرت / بشنو شعار ملت
شعار ما؛ ننگ ما، ننگ ما / رهبر الدنگ ما
شکنجه، جنایت ابزار این ولایت / مرگ بر این ولایت
شکنجه، جنایت / ننگ بر این ولایت
تجاوز، خیانت / لغت بر این ولایت (دانشگاه قزوین)
جمهوری اسلامی فانوس رو به باد است
خامنه ای حیاکن / سلطنت و رها کن

حسین حسین شعارشون / تجاوز افتخارشون

ماتمی خواهیم بمب هسته ای / از ولایت خسته ایم
دانشجو؛ ما با تو هم پیمانیم / فرزندان ایرانیم

دانشجو می رزم / دیکتاتور می لرزد

دانشجو می رزم / استبداد می لرزد

دانشجو بیدار است از دیکتاتور بیزار است.

دانشجو بیدار است / از خامنه ای بیزار است

ما همه با هم هستیم / دانشجوی نترسیم

ما اهل کوفه نیستیم / پشت یزید به ایستیم

می جنگی، می میریم / ایران را پس می گیریم

ما اتمی نمی خواهیم / حق آزادی می خواهیم

ما زن و مرد جنگیم / به جنگ تا جنگیم

می کشم، می کشم / آنکه برادرم کشت

بترسید، بترسید / ما همه با هم هستیم

رنیس دانشگاه / استعفاء استعفاء (دانشگاه تهران)

موسوی بهانه است / کل نظام نشانه اش

دانشگاه؛ آخرین سنگر آزادی

دانشجو، کارگر / اتحاد اتحاد

خونی که درگ ماست / هدیه به ملت ماست

حراست ، بسیجی / نمی خوایم ، نمی خوایم

دانشجو با غیرت / حمایت حمایت

دانشجو زندانی حمایت می کنیم.

دانشجو زندانی آزاد باید گردد

زندانی سیاسی بی قید و شرط آزاد باید گردد

حکومت فاشیستی / تو دولت ما نیستی

محمود احمدی نژاد / عامل تبعیض و فساد

احمدی عمر و عاص / ۴۳٪ این جاست

احمدی کم می آرد / شعبون بی مخ می آرد

پلیس ضد شورش / احمدی رابه شورش

برادر رفقه گر / محمود برادر ببر

حکومت زور نمی خوایم / پلیس مزدور نمی خوایم

ننگ ما ، ننگ ما / صدا و سیمای ما

ننگ بر قاتلان / چه صبرا - شتیلا، چه ایران

شارون کوتاچی! استعفا استعفا!

چه ایران چه غزه / کشتن مردم بسه

غزه و لبنان کمن / رفتن سراغ یمن

فلسطین! فلسطین! ما همه با هم هستیم!

محمود حسابش پاکه / منتخب آبیاکه (لابی بزرگ اسرائیل در آمریکا)

رای ما خونین شده / ایران فلسطین شده

نصر من الله ، محمود خانن، آواره کردی ... ، الله اکبر

توپ ، تانک کهریزک / دیگر اثر ندارد

بسیج وحشی شده / بسیج وحشی شده

بسیجی فاشیسته / پول می گیره می ایسته

بسیجی حیا کن / مفتخوری را رها کن

پول نفت چی شده / خرج بسیجی شده

پول ملت چی شده / خرج بسیجی شده ، خرج بسیجی شده

پول ملت چی شده / خرج اتمی شده

چقدر بهت پول دادند / دور بین رو دست دادند؟

بسیجی بی غیرت / دشمن خون ملت

بسیجی بی غیرت / خجالت خجالت

چیره خور حیا کن / دانشگاه را رها کن

ما اهل کوفه نیستیم / پول بگیریم بایستیم (دانشگاه امیرکبیر)

بسیجی، راه رو باز کن (دانشگاه مشهد)

اگر بسیجی نبود / ترانه پیش ما بود

مرگ بر بسیجی

بسیجی برو گمشو

بسیجی دروغگو / کارت دانشجویی ات کو؟

بسیجی وحشی شده (دانشگاه مشهد)

مزدور برو گمشو

مزدور چند گرفتگی / باتوم را دست گرفتگی ؟

مزدور چه قدر گرفتگی؟! پرچم را دست گرفتگی ؟

آزادی ، آزادی آزادی

چی شده ، چی شده ؟/ بسیجی وحشی شده (دانشگاه کرمان)

چی شده، چی شده ؟ حراست وحشی شده (دانشگاه کرمان)

یاحسین میرحسین

ایران جنگه/ خاموشی ننگه

شعار ملت ما/ دین از حکومت جدا

مرگ بر اسلام. ضد انسان

پلیس به ای بی غیرتی / هرگز ندیده ملتی

پلاکارها :

" مملکه باکفر می مونه/ اما با ستم نه"

نه به دانشگاه پادگانی ، نه به گیت امنیتی

دانشگاه فریاد آزادی و دانشگاه سنگر راهی

صلح ودمکراسی برای همه جهان

.....

سید علی خامنه ای به عنوان دیکتاتور سال برگزیده شد!

روشنگری: سایت ایرانیان انگلیس خبر داد که دانشگاه اسلو، آیت الله

علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران را به عنوان "دیکتاتور

سال" برگزید.

بر اساس این گزارش انتخاب کنندگان شخصیت "دیکتاتور سال"، خامنه ای

را از میان ۱۱ نامزد، از جمله کیم جونگ ایل، رهبر کره شمالی، رابرت

موتگابه، رییس جمهوری زیمبابوه و رهبر نظامی میانمار برگزیده اند.

برگزارکنندگان این مراسم می گویند جایزه دیکتاتور سال به شخصی تعلق

می گیرد که "در يك سال گذشته، بیشترین خصومت را علیه مردم

کشورش و دیگر ملت ها به کار بسته است."

به گفته یکی از استادان دانشگاه اسلو "این جایزه شکل گرفت تا به جهان

یادآوری کند میلیون ها انسان از نسل کشی و شکنجه جاری در جمهوری که

زندگی می کنند به شکل روزانه عذاب می کشند."

دانشجویان دانشگاه اسلو در نوزد با رای دادن از طریق سایت اینترنتی

"فیس بوک" خامنه ای را انتخاب کرده اند. ۱۸ آذر ۱۳۸۸

.....

ندا آقا سلطان در میان قهرمانان سال ۲۰۰۹ جهان!



محل دفن ندا در بهشت زهرا ندا آقا سلطانی سمبل مقاومت

نام ندا آقا سلطان در میان قهرمانان برجسته سال ۲۰۰۹ در جهان انتشار

یافته است.

نشریه آمریکایی تایم فهرست برترین های جهان در زمینه های مختلف در

سال ۲۰۰۹ را منتشر کرده است که در آن ندا آقا سلطان، زن جوان ایرانی که

در جریان اعتراضات خیابانی بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به

ضرب گلوله کشته شد، در دومین رده اسامی ده نفری قرار دارد که به عنوان

قهرمانان جهان در این سال معرفی شده اند.

افرادی که نام آنان در فهرست ده قهرمان جهان در سال جاری آمده است

کسانی هستند که فعالیت یا شرایط آنان عاملی الهام بخش برای توده های

مردم در سراسر جهان تلقی شده و یا بر تحولات جهانی تأثیری مثبت گذاشته

است.

نشریه تایم در شرحی بر این انتخاب نوشته است که ندا آقا سلطان، بی آنکه

خود در صدد باشد، به یک قهرمان تبدیل شد.

تایم می نویسد که تصویر آخرین لحظات حیات ندا آقا سلطان، که با یک

دستگاه موبایل برداشته شد و در شبکه اینترنت قرار گرفت، "احتمالا پر

ببینده ترین صحنه مرگ یک انسان در تمامی طول تاریخ بشر بوده

است."

.....

توجه: در رابطه با شخصیت حقیقی امضاء کنندگان این بیانیه، اطلاعات

موثقی منتشر نشده است. اما، بنابر اهمیت موضوع، اطلاعیه ذیل در

نشریه درج میشود. گذشته از چگونگی گستردگی ناراضیاتی در میان افراد

نیروهای مسلح رژیم در مقطع کنونی، اما، نفس انتشار بیانیه هانی از این

قبیل، نشان دهنده وجود ناراضیاتی های بالقوه در میان برخی از نیروهای

مسلح رژیم است. امری که به نوبه خود خبر از گستردگی "شکاف در

بالا" و تشدید تضادهای درونی رژیم را میدهد. منصور نجفی

بیانیه گروهی از فرماندهان و پرسنل ارتش

ویژه خبرنامه گویا - گروهی از فرماندهان و پرسنل نیروی هوایی

و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی بیانیهای مهمی انتشار

دادند. در این بیانیه آمده است: "در روزگاری که همدوش برادران

سپاهی جان خود را فدای این ملت می کردیم هرگز گمان نمی بردیم که

ممکن است روزی گروهی از سپاهی ها، بر خلاف خواست بخش

اعظم پرسنل صادق و ایثارگر سپاه، قدرت سلاح خود را در مقابل

این ملت به کارگیرند." این گروه از ارتشیان نوشته اند: "به آن

دسته از تحویل شدگان به سپاه که دست تجاوز و تعدی به جان و مال

و آبرو و ناموس ملت ایران دراز کرده اند و بیش از همه به خون

شهادی نیروهای مسلح کشور اعم از سپاهی و ارتشی خیانت

کرده اند، شدیداً اخطار می کنیم که اگر از راه رفته بازنگردند، خود را

با واکنش جان برکفان ارتش مواجه خواهند دید." بیانیه را بخوانید:

به نام یزدان پاک

"ارتش پناه ملت

درسال های دفاع مقدس که دوشادوش برادران سپاه، از این آب و خاک

دفاع می کردیم، درواقع مشغول دفاع ازشرف و آبرو و حیثیت وجان و

مال ملت ایران بودیم. ارزش کشورهم به دلیل ارزش ملت ایران است.

سلاح ارتشی و سپاهی باید در راه خدمت به این ملت به کارگرفته شده

و جان آنان هم در راه مردم ایران فدا شود. در روزگاری که همدوش

برادران سپاهی جان خود را فدای این ملت می کردیم هرگز گمان نمی

بردیم که ممکن است روزی گروهی از سپاهی ها، بر خلاف خواست

بخش اعظم پرسنل صادق و ایثارگر سپاه، قدرت سلاح خود را در مقابل

این ملت به کارگیرند.

ارتش خود را پناه ملت می داند و هیچ گاه به خواست سیاستمداران

برای سرکوب مردم تن در نداده است. به عهد خود برای عدم دخالت

درسیاست وفادار است اما نمی تواند در مقابل ظلم و تجاوز به هم

وطنان خود نیز ساکت بنشیند. به همین دلیل به آن دسته از تحویل

شدگان به سپاه که دست تجاوز و تعدی به جان و مال و آبرو و ناموس

ملت ایران دراز کرده اند و بیش از همه به خون شهادی نیروهای مسلح

کشور اعم از سپاهی و ارتشی خیانت کرده اند، شدیداً اخطار می کنیم که

اگر از راه رفته بازنگردند، خود را با واکنش جان برکفان ارتش مواجه

خواهند دید. ارتش پناه ملت است و از ملت آرام و صلح دوست ایران در

مقابل هر متجاوزی تا آخرین قطره خون خود دفاع خواهد کرد.

گروهی از خلبانان و پرسنل هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری

اسلامی ایران (هوانیروز)

جمعی از فرماندهان و پرسنل گروه سی و سه توپخانه اصفهان

گروهی از خلبانان و همافران نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

ایران (نهاجا)

دانشگاه شهید ستاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

ایران (نهاجا)

جمعی از پرسنل ستاد فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

ایران (نهاجا)

جمعی از پرسنل مرکز آموزش پشتیبانی نزاچ

جمعی از اساتید و مسنولین دانشگاه افسری امام علی (ع)

جمعی از پرسنل و مسنولین ستاد فرماندهی کل ارتش

.....

مصاحبه رادیو سپهر با محمد رضا شالگونی

(جمعه ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹)

در باره رویداد تاریخی ۲۱ آذر، سالروز قیام ملی

آذربایجان و معضل ناسیونالیسم و دمکراسی در

ایران ، در سایت اینترنتی راه کارگر در دسترس

شما است. <http://www.rahekargar.de>

.....

گزارش تکان دهنده عفو بین الملل

اورا ۵۸ روز در کهریزک در یک کانتینر نگه داشتند و به او گفتند اگر " اقرار " نکند به پسرش تجاوز خواهند کرد.



بیانیه مطبوعاتی

ممنوعیت انتشار تا: ساعت ۱۲:۰۱ نیمه شب به وقت گریجویچ،
۱۰ دسامبر ۲۰۰۹

زبان اصلی: انگلیسی

عفو بین الملل: ایران پس از انتخابات شاهد شدیدترین خشونت در ۲۰ سال گذشته بود.

عفو بین الملل امروز در گزارش تازه نی پس از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد گذشته گفت: نقض حقوق بشر در ایران در حال حاضر در بدترین وضعیت در ۲۰ سال گذشته است. حبسیبیا حاج صحراوي، معاون برنامه خاورمیانه و آفریقای شمالی گفت: " رهبری ایران باید تضمین کند که اتهامات فراوان شکنجه، شامل تجاوز، قتل های غیرقانونی و دیگر تعدی ها به طور کامل و مستقل مورد تحقیق قرار گیرد."

"اعضای نیروهای شبه نظامی و مسنولانی که مرتکب تعدی ها شده اند باید سریعاً پاسخ گوی اعمالشان باشند و به هیچ وجه نباید کسی اعدام شود."

عفو بین الملل از مقام رهبری ایران آیت الله خامنه ای می خواهد به دو کارشناس اصلی حقوق بشری سازمان ملل برای کمک به انجام تحقیقات اجازه بازدید از ایران بدهد.

حبسیبیا حاج صحراوي گفت: " مقام رهبری باید به دولت دستور دهد گزارشگران سازمان ملل برای شکنجه و اعدام های فوری و خودسرانه را برای کمک به تضمین دقت و استقلال تحقیقات به ایران دعوت کند." "تحقیقات مقامات ایرانی تا به امروز ظاهراً بیشتر به قصد سرپوش گذاشتن بر تعدی ها بوده است تا کشف حقیقت."

گزارش تازه نمونه هایی از تعدی های مقامات ایران را شرح می دهد که پیش از انتخابات خرداد، در طی آن و پس از آن با اعزام نیروی شبه نظامی بسیج و سپاه پاسداران به سرکوب اعتراض های توده نی در مخالفت با نتایج انتخابات پرداختند.

گزارش شامل شهادت هایی از افرادی است که در طی اعتراض ها بازداشت شده اند و بعضی از آنها پس از آن ناگزیر از فرار از کشور گشته اند.

یکی از بازداشتیان پیشین می گوید او را در تمام مدت ۵۸ روز در بازداشتگاه بدنام کهریزک در یک کانتینر حبس کرده بودن و تنها پس از ۴۳ روز اجازه تماس با خانواده اش را به او دادند.

در طی بازجویی به او گفته شد که پسرش نیز بازداشت شده و در صورتی که خود او " اقرار " نکند به پسرش تجاوز خواهد شد. سپس او را به قدری با باتوم کتک زدند تا از هوش رفت. به گفته او بیش از ۷۰ بازداشتی دیگر در کانتینر در کنار او بوده اند.

یک بازداشتی پیشین دیگر، به نام علی خردنژاد، می گوید او امیر جواد فر، یک دانشجوی، را با لباس های پاره و پیشانی خونین دیده است و بعداً مطلع شده که او در اثر شکنجه و اذیت و آزارهای دیگر در طی بازداشت کشته شده است. پس از آن بود که این بازداشتی تصمیم گرفت با وجود خطر مشاهداتش را بیان کند.

حبسیبیا حاج صحراوي گفت: " مقامات باید نشان دهند که دست از تعدی های انجام شده در تابستان گذشته برداشته اند. آنها اکنون باید تضمین کنند که روش های برقراری نظم در اعتراض ها کاملاً با موازین بین المللی اجرای قانون سازگار است و بسیج و دیگر نیروهای خشن را از خیابان ها بیرون ببرند."

تمام کسانی که دستگیری بازداشت می شوند باید از شکنجه یا دیگر اذیت و آزارها محفوظ بمانند، زندانیان عقیدتی باید آزاد شوند و تمام کسانی که در محاکمه های ناعادلانه - شامل، محاکمه های فرمایشی، که مضحکه نی از عدالت بود - محکوم شده اند، یا باید پرونده شان مورد بازنگری قرار گیرد یا آزاد شوند. تمام احکام اعدام باید کاهش یابد و تمام کسانی که هنوز محاکمه نشده اند باید از محاکمه های عادلانه برخوردار شوند. سرکوب اعتراض ها ادامه داشته است. در طی سه هفته پیش از ۱۶ آذر،

روز ملی دانشجو در ایران، ده ها تن از فعالان بازداشت و عده-نی دیگر از تحصیل محروم شدند و در آن روز شرکت کنندگان در تظاهرات با باتوم و گاز اشک آور مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفتند و بیش از ۲۰۰ نفر دستگیر شدند.

تحقیقات بین المللی

سطح تحقیقات دولتی که تاکنون انجام شده، بیشتر به نظر می رسد به قصد پنهان کردن حقیقت باشد تا آشکار کردن آن.

مقامات ایرانی دو هیأت را برای تحقیقات در باره بحران پس از انتخابات از جمله رفتار با بازداشتیان تعیین کرده اند: یک کمیسیون مجلس و یک هیأت سه نفره قضایی.

جزئیات کامل مأموریت و اختیارات این دو هیأت اعلام نشده و یافته های هیأت مجلس نیز منتشر نشده است.

مانفرد نواک، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای شکنجه و فیلپ آلستون، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای اعدام های فراقضایی، فوری و خودسرانه درخواست سفر به ایران کرده اند و هنوز در انتظار جواب مقامات به سر می برند.

حبسیبیا حاج صحراوي گفت: " این وظیفه مقامات است که به موارد گسترده نقض حقوق بشر در طی ناآرامی ها به روشی آشکار، شفاف و پاسخگویانه رسیدگی کنند."

رقم رسمی کشته شده گان در خشونت های پس از انتخابات ۳۶ نفر اعلام شده است. مخالفان رقم مربوطه را بیش از ۷۰ نفر اعلام کرده اند.

پس از انتخابات، حداقل ۴۰۰۰ نفر در سراسر ایران دستگیر شدند. در هنگام نگارش این گزارش، حداقل ۲۰۰ نفر در زندان باقی مانده اند و برخی از آنها پس از فروکش کردن ناآرامی اولیه دستگیر شده اند.

پایان/

یادداشت برای سردبیران

با وجود درخواست های متعدد، از زمان کوتاهی پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ تا کنون، مقامات ایرانی مانع دیدار عفو بین الملل از ایران برای تحقیق در باره نقض حقوق بشر در طی ۳۰ سال گذشته شده اند. در حداقل پنج سال گذشته، سفارت ایران در لندن نیز بارها از دیدار یا نامه نگاری با عفو بین الملل سر باز زده است.

برای درخواست مصاحبه با یکی از اعضای گروه تهیه این گزارش در عفو بین الملل لطفاً با شماره تلفن ۱۳۵۵۶۶۱۳۰۷۴۱۳۰۷۴ یا نشانی پست الکترونیکی press@amnesty.org تماس بگیرید.

سند عمومی

برای اطلاعات بیشتر با دفتر مطبوعاتی عفو بین الملل در لندن، انگلستان تماس بگیرید: شماره تلفن ۱۳۵۵۶۶۱۳۰۷۴۱۳۰۷۴ یا نشانی پست

الکترونیکی press@amnesty.org

گزارش های مودی

مورد ۱

ترانه موسوی، ۲۸ ساله، در روز ۷ تیر به همراه بیش از ۲۰۰۰ نفر تظاهرکننده دیگر برای بزرگداشت کشته شده گان ناآرامی ها به مسجد قبا در شمال مرکزی تهران رفت.

در آن روز عفو بین الملل گزارش های مختلفی دریافت کرد حاکی از این که نیروهای امنیتی خیابان های اطراف مسجد را بستند و ده ها نفر را دستگیر و پس از بازجویی در محل آزاد کردند. در حدود ۴۰ نفر گویا به بازداشتگاهی در خیابان پاسداران در نزدیکی منتقل و در اتاق بزرگی بازداشت شدند. برخی از آنها مورد بازجویی قرار گرفتند.

گفته می شود که ترانه موسوی، مثل بسیاری دیگر، پس از بازجویی آشفته و پریشان بود، گرچه معلوم نیست به او چه گفته شده است. سپس برخی از بازداشتیان را از آنجا احتمالاً به زندان اوین و برخی دیگر را به یک کلانتری منتقل کردند. گویا ترانه موسوی در آنجا باقی ماند. از اطلاعات گردآوری شده به وسیله عفو بین الملل چنین برمی آید که او در حدود پنج ساعت پس از دستگیری نابدید شده است. چند روز بعد، پدر و مادر او از طریق یک تلفن کننده ناشناس مطلع شدند که به او تجاوز شده و او پس از سعی به خودکشی به بیمارستان امام خمینی در کرج منتقل شده است.

پدر و مادر او در بیمارستان متوجه شدند که نام او در بیمارستان ثبت نشده است. به آنها گفته شد که یک پرستار، شخصی با مشخصات ترانه موسوی دیده است، اما او را در حال بیهوشی از آنجا برده اند. بنا به گزارش های تایید نشده، ترانه موسوی در روزهای بعد در زندان

اوین مورد اذیت و آزار قرار گرفته، اما معلوم نیست که چه زمانی این اتفاق افتاده است.

بنا به گزارش، یک مقام ناشناس، هجده روز پس از دستگیری او به پدر و مادرش اطلاع داده که یک جنازه سوخته که مشخصاتش با مشخصات ترانه موسوی تشابه دارد در بیابان های بین کرج و قزوین پیدا شده است.

خانواده او که تحت تهدید قرار گرفته بودند تا در باره سرنوشت دخترشان علنا حرفی نزنند برای تحویل گرفتن جنازه به قزوین رفتند. در آن زمان، پدر و مادر او به شدت مضطرب بودند و هیچ حرفی نمی زدند، حتا نمی گفتند که او را در کجا دفن خواهند کرد.

در روز ۲۶ تیر، ویلاگ نگارها به مورد ترانه موسوی پرداختند و آن را با کمیته پیگیری تعدی های پس از انتخابات تحت هدایت مهدی کروبوی و میر حسین موسوی مطرح کردند. گمان می رود که مقامات زمانی که به زور این کمیته را در ماه سپتامبر تعطیل کردند، اسناد مربوط به ترانه موسوی را نیز ضبط کردند.

مورد ۲

ابراهیم مهتری، ۲۶ ساله، دانشجوی کامپیوتر است که قبلا از ادامه تحصیل محروم شده بود. او در ماه نوامبر از رنج و عذاب خود برای عفو بین الملل گفت.

مهتری در تاریخ ۲۹ مرداد در جلوی دفتر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دستگیر شد. اسلحه نی را به سوی او نشانه رفتند و او پس از شوک الکتریکی از حال رفت.

او می گوید او را به محلی در شرق تهران بردند که به یک اردوگاه نظامی می ماند. او را در سلولی به اندازه های تقریبی ۱/۳ در ۲ متر تنها گذاشتند که در تابستان گرم تمام مدت چراغی در آن روشن بود. از نوشته های روی دیوار آشکار بود که عده زیادی به تازگی دستگیر شده بودند.

او را منظم با چشمان بسته برای بازجویی می بردند. در آنجا او را به همکاری با شبکه های فیس بوک و وبگاه های متعلق به مخالفان، اعتراض به نتیجه انتخابات و همکاری با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی متهم کردند.

بازجویان مرتب در حال فیلم برداری از او می خواستند که "اعترافات" خود را بنویسد و گاهی نیز دوربین را خاموش می کردند و به شکنجه او مشغول می شدند.

او می گوید: "آنها بارها به صورتم می زدند؛ زیر چشمانم، روی گردنم و سرم را با سیگار سوزاندند. مرا از سر تا پا از جمله بازوان و پاها مورد ضرب و شتم قرار دادند. مرا تهدید به اعدام و تحقیر کردند..."

او شرح داد که بطور در اثر یک ضربه مشت به دهانش یکی از دندان هایش شکسته و شکنجه گران یک شینی باریک را در سوراخ های بینی و مقعد او فرو کرده اند. سرانجام او "اعترافاتی" را که آنها می گفتند امضا کرد. تنها در روز آخر بازداشت، در حالی که به زحمت به هوش بود، به او اجازه دادند با پزشک دیدار کند.

ابراهیم مهتری پنج روز پس از بازداشت آزاد شد. او را با اتومبیل به خیابانی بردند و در حال خونریزی و نیمه بیهوش بیرون انداختند. معاینه در پزشکی قانونی که در حالی انجام شد که روشن نبود او کیست، ادعای او در مورد شکنجه را تایید و مستدل کرد. در این معاینه معلوم شد که در جاهای مختلف بدن او، از جمله در اطراف مقعدش، کبودی و سیاه شدگی، سانیدگی و سوختگی وجود دارد.

اما به محض این که مشخص شد که جراحات های او در اثر شکنجه به وسیله ماموران دولتی به وجود آمده و نه در پی آدم ربایی به وسیله جنایتکاران، تمام اسناد و مدارک ناپدید شد، به استثنای کپی گزارش پزشکی که ابراهیم مهتری توانسته بود کپی کند و پیوست این گزارش است.

مقامات از تحقیق در باره ادعاهای ابراهیم مهتری سر باز زده اند و به او و خانواده اش گفته اند که در صورتی که درباره شکنجه هایش چیزی بگویند عواقب شدیدی در انتظارشان خواهد بود.

مورد ۳

عفو بین الملل از طریق فعالان حقوق بشر در ایران، گروهی که در باره نقض حقوق بشر در ایران گزارش می دهد، از یک مورد دیگر شکنجه مطلع شده است.

یک بازداشتی ناشناس در باره تعدی به او در بازداشتگاه کهریزک سخن می گوید. او را ۵۸ روز در کانتینری در آنجا نگه داشته اند و تنها در

روز چهل و سوم به او گفته اند در کجاست و اجازه داده اند با خانواده اش تماس بگیرد.

"به ما دستبند و چشم بند زدند و با کامیون به محلی ناشناس بردند... ما را به زیرزمین بردند... وقتی که چشم بندم را برداشتند، فهمیدم که در داخل یک کانتینر هستم. یک چراغ ۱۰۰ وات و یک مجرای هوا برای ورود هوا در آنجا بود. در داخل کانتینر ۷۵ نفر بودیم. پدر یکی از جلسات بازجویی، فیلمی از پسرم در خیابان های تهران نشانم دادند. بازجوییم گفت که پسرم را بازداشت کرده اند و اگر من اعتراف نکنم به او تجاوز خواهند کرد. پس از تماشای فیلم اختیاریم را از دست دادم و شروع کردم به فریاد کشیدن. به آنها التماس کردم به پسرم کاری نداشته باشند. به قدری مرا با باتوم زدند که از هوش رفتم و مرا به کانتینر برگرداندند." پایان ۱۹ آذر ۱۳۸۸

اعترافات

رئیس قوه قضائیه رژیم!

فساد گسترده در دستگاه دولتی!

*رئیس قوه قضائیه اعتراف کرد: کارمندانی از دولت با پررویی و جسارت تمام اسناد دولتی و مالی را جعل کرده و میلیاردها پول به جیب زده اند روشنگری: فساد در نظام جمهوری اسلامی تا حدی گسترده است که دیگر قابل پنهان کردن نیست و حتی رئیس قوه قضائیه همین رژیم هم رسماً به آن اعتراف می کند. صادق لاریجانی در اختتامیه همایش "ارتقای سلامت نظام اداری کشور و مبارزه با فساد" گفت: "کارمندانی از دولت با پررویی و جسارت تمام اسناد دولتی و مالی را جعل کرده و میلیاردها پول به جیب زده اند اینها باید خوف داشته باشند و امنیت برای آنها باید به عدم امنیت تبدیل شود."

لاریجانی سپس به روش مالوف در جمهوری اسلامی یعنی مجازات آفتابه نردها از سوی نردهای سرگردنه که نام خود را "قانون" گذاشته اند، اشاره کرد و گفت: "سراغ یک کارمند ساده بانک که تخلف کوچکی مرتکب شده می رویم و با او برخورد می کنیم اما کسی که میلیاردها موقوفه بانکی دارد و پول را بدون هیچ عذری پرداخت نمی کند باید به سراغ آن رفته و با او برخورد می کنیم."

اعتراف صریح رئیس قوه قضائیه به بالا کشیده شدن میلیاردها پول از سوی کارمندان دولت، ادعای پاک بودن دولت احمدی نژاد که همیشه ورد زبان عوامل وابسته به دولت و همچنین امنیتی هاست باطل می سازد. ۱۸ آذر ۱۳۸۸

شش سال حبس برای محمد پور عبدالله

خبرگزاری هرانا: به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، محمد پورعبدالله، فعال دانشجویی که از ۲۴ بهمن ماه سال گذشته بازداشت شده بود، صبح امروز در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد.

محمد پورعبدالله در مدت سیصد روز بازداشت خود ابتدا در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس بود که پس از مدتی وی را به زندان قزل حصار که محل نگهداری مجرمان خطرناک و بزهاکار است منتقل کردند.

۱۰۰۰

کارگر شهرداری کرج بیکار شدند.

هرانا: ۲۰ درصد نیروهای کارگری شهرداری کرج به بهانه کاهش هزینه های جاری در آبان ماه بیکار شدند بنا بر گزارش رسیده شهرداری کرج برای کاهش هزینه های خود ضمن تبدیل نوع قرارداد کارگران خدمات شهری از پیمانکاری به امانی در ماه جاری، ۱۰۰۰ کارگر خود را نیز از آرماس بیکار کرد. ۹ دسامبر ۲۰۰۹

روسری سبز مردان، گام نخست اعتراض سبز به حجاب اجباری قصه تحقیر مجید توکلی، قصه حقارت زنان سرزمین من هم هست ماجرای مجید توکلی از یک منظر دیگر:

حکایت حقارت حضرات را شنیده اید. آنقدر حقیر شده اند که پنداشته اند انتشار عکس مجید توکلی، عضو انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک در لباس زنانه، یعنی تحقیر کردن دانشجو و گذاردن نام او در کنار نام بنی صدر و یاد آوری قصه های ساخته و پرداخته دیگری چون فرار با لباس زنانه، احتمالاً جنبش را زمین گیر و سرخورده می کند. حتما این حکایت را هم گوشه و کنار خوانده اید:

مردی ژاپنی در اوایل انقلاب در تهران زندگی می کرد، روزی با همسر خود به یک رستوران رفت. در آنجا از همسرش خواستند که روسری به سر کند و سپس یک روسری هم در اختیار او قرار می دهند. مرد ژاپنی ار آنان تقاضای یک روسری اضافه می کند و بعد خودش آنرا به سر کرد. وقتی پیشخدمت های رستوران توضیح دادند که فقط زنان باید حجاب داشته باشند و نه مردان، در پاسخ گفت: "اگر همسرم مجبور است کاری را خلاف میل خود انجام دهد، من هم وظیفه خود می دانم که با او همراهی کنم. به صحت و سقم هیچ کدام از این دو حکایت کاری ندارم از طرفی تردید ندارم طرفداران جنبش اعتراضی ایران و منادیان آزادی خوب می دانند آنچه موجب حقارت مجید توکلی شده است، لباس زنانه نیست، بلکه اجبار آن و انتشار عکس های آن، نوعی کوبیدن بر طبل تحقیر است که این چیز جدیدی نیست. بخش های چشمگیری از زنان ایران هیچ اعتقادی به حجاب و پوشش اجباری ندارند و سالهاست که با اجبار روسری و گاهی چادر هم به سر می کنند.

بر این اساس به گمانم قصه مجید توکلی عزیز و عکس هایش قصه حقارت بخش هایی از زنان سرزمین من است. باید به کسانی که نا آگاهانه و ساده لوحانه ارزش های خودشان را به لجن می کشند خندید و از سویی باید غمگین بود برای کسانی که به حجاب باور درونی دارند و با نمایش مضحک اجبار در ایران سالهاست که آنها نیز تحقیر می شوند.

من از ردالت مردان خنده ام می گیرم که با انتشار این عکس ها به یادمان آورده اند که به اجبار روسری و چادر بر سر انداختن چه بر سر مرد و چه بر سر زن آنقدر زشت و زننده است که ارزش عکس و خبر شدن دارد.

و اما نکته دیگر: اگر باز هم فرض را بر این بگذاریم که خبرهای کودتاگران درست بوده و ترس، دانشجو را ناگزیر به فرار کرده است، کجای این ترس بالیدن دارد که دولتی هراس ملت اش را به نمایش عمومی می گذارد؟ درست مثل سردار کودتا که با افتخار اعلام می کند:

دکتر کهریزک از ترس بازداشت، خودکشی کرده است. در زندان و بازداشتگاه چه می گذرد که ترس از آن موجب خودکشی و فرار می شود؟ شگفتا که همین موجب ننگ عار یک سیستم بیمار نمی شود تا حداقل رسوایی خودش را آنقدر ساده لوحانه جار نزنند و عکس و خبر منتشر نکنند که ایها الناس ببینید چه گل و بلبلای هست جمهوری اسلامی که دانشجو و دکتر اش از قانون می ترسند و مرگ و فرار را به افتادن در دام بازجویان متجاوز و قاتل بازداشتگاهها ترجیح می دهند. پس به جای احساس سرخوردگی کردن از قصه مجید باید به او بالید که کودتاگران را در دو دام انداخته است.

چار زدن رسوایی خودشان. یک: روسری و چادر به اجبار زشت و مضحک است. دو: قانون و قضای حاکمیت چنان هراس انگیز است که دانشجو را وادار به فرار با لباس میدل می کند. (فرض بر درستی خبر).

حال در نظر بگیرید اگر بخشی از معترضان مذکور مثل همان مرد ژاپنی تصمیم می گرفتند در دفاع از زنانی که به اجبار وادار به رعایت حجاب می شوند روسری به سر کنند، آنوقت خبرگزاران دولت چه می کردند وقتی می دیدند که جمعیتی بر این اجبار می خندد و در یک حرکت نمایند روسری و چادر به سر مردان شده است؟ اگرچه می دانم به دلیل تفکر ریشه ای مردسالارانه، چنین ابتکار عملی از مردان ایرانی بعید است اما آیا باز هم خبربیاران دولت کودتا با افتخار حاضر به انتشار عکس های به تمسخر گرفتن پوشش اسلامی خواهند بود؟ کاری که خود کرده اند و خود خندیده اند. بی نوشت:

این هم عکسی از ابتکار عمل یک دوست عزیز که نمی شناسمش. پیشنهاد خام با عملکردی شما پخته می شود.

همانگونه که پس از اعتراف های ساختگی همه بازی اعترافی به راه انداختیم تا آنکه اعتراف کرده شرمسار نباشد این هم بازی تلخ دیگری است تا او که روسری به اجبار بر سرش رفته شرمسار نباشد. یادمان باشد که اجبار تحقیر آمیز است نه پوشش زنانه و حجاب.

روسری سبز مردان، گام نخست اعتراض سبز به حجاب اجباری
الغریق یتشبه بكل حشیش.

ضرب المثل عربی فوق، بهترین عبارتی است که می تواند این روزها حل و روز دولت کودتا و حامیان رسانه ای اش را نشان دهد و جالب آنکه اینان همچون لشکر به باتلاق نشسته ای گشته اند که ثمره همهء نقلهایشان تنها فروتر رفتن در این باتلاق مرگ است.

از خس و خاشاک خواندن مخالفان گرفته تا اعتراف گیری های مضحک و خبرهای جعلی بنگاههای لجن پراکنی رجا نیوز و فارس نیوز و داستان کهریزک و اینک لباس زنانه بر تن توکلی پوشاندن، همه و همه تنها بر علیه همانهایی عمل کرد که به خیال خام خود قصد بی آبرو کردن جنبش عظیم سبز را داشته اند.

دلم گواهی می دهم که این آخری (داستان فرار توکلی با لباس زنانه)، بازی بد سرانجامی را پیش پای کودتاچیان نگون بخت می نهد. جنبش زنان آزادیخواه ایران دیر زمانی است که مترصد یافتن روزنه ای می باشند تا خواسته های برابری طلبانه به حق خود را با فراگیرترین جنبش تاریخ ایران پیوند زنند و اینک به همت دشمنان نادان ما تحقق این آرزوی دیرین دست یافتنی به نظر می رسد.

شاید بهتر باشد که برای پاسخ دادن به آن تفکر مریضی که استفاده از لباس زنانه را نشانهء ضعف و زبونی یک مرد می داند، پیشنهاد مسیح علی نژاد برای روسری به سر کردن مردان جنبش سبز، بسیار جدی مورد بررسی قرار گیرد.

کم کمک زمان آن می رسد تا حق انتخاب آزادانهء پوشش زنان ایران زمین به عنوان یکی از محوری ترین خواسته های این جنبش بدل گردد. حال که هزینهء روسری از سر به در کردن زنان و دختران بسیار فراتر از توان این بخش از جامعه است، مردان جنبش سبز می توانند با این حرکت نمادین، اعتراض خود را به ۳۰ سال حجاب اجباری، ضمیمهء دیگر خواسته های این جنبش کنند و نشان دهند که اگر روزی پدرانمان از روی جهالت حق انتخاب را از مادر و خواهر و دختر و همسر خود گرفتند، ما در این مبارزه برای باز پس گیری این حق دوش به دوش آنان گام برمی داریم.

حرکتی که بدون شک جهان را انگشت به دهان می کند. آری، ما نسلی هستیم مصمم که برخاسته ایم تا همهء سدهایی را که پدرانمان از روی جهالت، پیش پای ما گسترده اند، یکی پس از دیگری از پیش رو بر داریم و به قول عبدالکریم سروش:

ما نسل کامکاری هستیم. ما زوال استبداد دینی را جشن خواهیم گرفت. جامعه ای اخلاقی و حکومتی فرادینی طالع تابناک مردم سبز ماست. برگرفته از سایت کانون اندیشه

* پیوندها *

سردبیر نشریه: منصور نجفی
mansour.nadjifi@telia.com
ایمیل روابط عمومی سازمان
public@rahekargar.net
تلفن روابط عمومی سازمان
0049-69-50699530
شماره فاکس سازمان
۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴
سایت راه کارگر
www.rahekargar.net
سایت خبری راه کارگر
<http://rahekargar.wordpress.com>
سایت اتحاد چپ کارگری
www.etehadchap.org
سایت رادیو صدای کارگران ایران
www.sedayekargar.com
نشر بیدار
www.nashrebidar.com
نشریه انگلیسی ایران بولتن
www.iran-bulletin.org
توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند،
الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.